



ارائه مدلی جهت تربیت شهروند حرفه‌ای در نظام آموزش عالی کشور در هزاره سوم

دکتر نادر قلی قورچیان*

دکتر سید فرهاد افتخارزاده**

چکیده

هم اکنون در ذهنیت مابعد پسانوین گرایانه پدیده جهانی شدن به صورت یک واقعیت مهم در آمده است. عرصه مواجهه این عصر با پدیده جهانی شدن و شهروند جهانی، عرصه علم، مدیریت و تدابیر یاد دهی و یادگیری است. این پژوهش با هدف طراحی یک مدل مناسب جهت تربیت شهروند حرفه‌ای در نظام آموزش عالی کشور به ویژه در دانشگاه آزاد اسلامی و واحدهای تابعه آن به منظور پاسخگویی به نیازهای جدید هزار سوم صورت پذیرفته است. با مرور بر ادبیات و پیشینه تحقیق، درک فراپییچیدگی و گستردگی دامنه تحقیقات نظری و اقدامات عملی تربیت شهروند حرفه‌ای در مدارس و دانشگاه‌ها، بررسی مدل‌ها، تئوری‌ها و مؤلفه‌های مطرح موجود، مدل تربیت شهروندی حرفه‌ای جهانی مشتمل بر مؤلفه‌های فلسفه، اهداف، مبانی نظری، چارچوب ادراکی، مراحل اجرا، نظام ارزشیابی و مهندسی مجدد تدوین گشت. میزان تناسب مدل پیشنهادی از نظر چهار گروه رؤسای دانشگاه‌ها، رؤسای دانشکده‌ها و مدیران گروه‌ها، اساتید و اعضای هیات علمی واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی و متخصصان آموزش عالی کشور با مقیاس ۴/۷۹ از ۵ مورد تایید قرار گرفت. به مدد این مدل، نظام آموزش عالی کشور به ویژه دانشگاه آزاد اسلامی و واحدهای تابعه آن می‌توانند به تربیت شهروند حرفه‌ای عالم، آگاه، متعهد و ماهر برای جامعه دانش، اقتصاد دانش و مدیریت دانش در پاسخگویی به هزاره سوم بپردازند. در خاتمه توصیه‌های کاربردی جهت اجرای مدل در دانشگاه آزاد اسلامی ارائه گردیده است.

واژگان کلیدی

تربیت شهروند حرفه‌ای، مدیریت دانشگاهی، صلاحیت‌های کلیدی، آموزش شهروندی، مدیریت یادگیری

* دانشیار، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران

** عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی

مقدمه

همزمان با فروپاشی مرزها، کم رنگ شدن نقش دولت‌ها و جایگزین شدن سازمان‌های غیر دولتی و فعال شدن نهادهای مدرن آموزشی، بصیرت‌ها و رسالت‌های جدیدی در محافل علمی گشوده شده است. تغییرات بسیار سریع آرمانی در نظام مدیریت دانش و مدیریت آموزش عالی جهان، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی را با چالش‌ها و فرصت‌هایی جهت تجدید نظر و باز اندیشی در فرایندهای یاد دهی و یادگیری مواجه کرده است و تقاضاها، تصاویر و انتظارات جدید و فرآینچیده‌ای را برای تمرکز بر ارتقای کیفیت در طراحی، اجرا و ارزیابی نظام آموزش عالی و مدیریت دانشگاهی ترسیم نموده است، که منعکس کننده گسترش وسیع آموزش عالی در ابعاد کمی و کیفی از جمله افزایش آموزش‌های تخصصی، دوره‌ها و رشته‌های درسی، افزایش تعداد دانشجویان و کارکنان دانشگاهی، شاخص‌های آنها و تنوع در نوع آموزش‌ها و ارائه دهندگان آنها است. این امر تغییر مرزهای حرفه‌ای را در آموزش عالی طلب می‌نماید که ممکن است به مرزهای بحرانی در آموزش عالی نیز نزدیک شود. دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی موظف‌اند در هزار سوم آموزش و تربیت شهروند حرفه‌ای را آغاز نمایند که متناسب و پاسخگوی این هزاره باشد.

دانشگاه‌ها نهادهای اصلی تربیت شهروند عمومی و حرفه‌ای هستند. بررسی تاریخ آموزش عالی در گستره جهان نشان می‌دهد تربیت شهروند مفید همواره از اهداف آشکار و ضمنی این سیستم‌ها بوده است و تقریباً تمامی نظام‌های آموزشی، برنامه‌های خود را در راستای ایدئولوژی، جهان بینی و فلسفه حاکم بر جامعه محلی و ملی تدوین کرده‌اند. با هر گونه تغییر در بافت اجتماعی، جهت گیری آموزش و تربیت شهروند نیز دچار تحول گشته است. امروزه نیز به دلیل ارتباطات فزاینده کشورها، جهانی شدن همه جانبه، افزایش تنوع فرهنگی، زبانی، مذهبی، قومی و غیره در سراسر جهان، مفهوم شهروندی و آموزش آن دچار تغییرات بنیادی شده است و نظام‌های آموزشی را بر آن داشته است تا برای آماده کردن نوجوانان و جوانان برای کارکرد مؤثر در هزاره سوم، برنامه‌های خود را مورد تجدید نظر قرار دهند و با تعمق، تدبیر و ژرف نگری، نیازهای دانشی، مهارتی، نگرشی و ارزشی فراگیران را برای کنش مؤثر در ابعاد محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و فراتر از مرزهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برآورده و برنامه‌های متناسب با آن را تدوین نمایند.

آموزش شهروندی در هزاره سوم، چهره دیگری یافته و پیشرفت‌های جهانی، درک جدیدی از شهروندی را الزامی ساخته است. برای همگام شدن با این پیشرفت‌ها، دانشجویان باید دانش و مهارت‌هایی را برای شهروندی مفید و مؤثر بودن در جامعه جهانی کسب نمایند. شهروندان جامعه متنوع و متلون جهانی باید بتوانند ضمن اتصال و اعتقاد به فرهنگ خودی، در عین حال در یک فرهنگ جهانی مشترک، مشارکت مؤثری داشته باشند. از سویی وحدت بدون تنوع، به سلطه محوری برخی فرهنگ‌ها و سرکوب شدن سایر فرهنگ‌ها منتهی می‌شود، زیرا وحدت و تنوع باید به صورت متعادل همزیستی داشته باشند. نوع جدیدی از شهروندی که قرن بیست و یکم به آن نیاز دارد، مفهومی است که ویل کایملیکا^۱ آن را شهروندی چند فرهنگی می‌نامد، شهروندی چند فرهنگی به این موضوع اشاره دارد که حق و نیاز شهروندان به حفظ تعهد نسبت به فرهنگ خودی و فرهنگی فراملی باید به رسمیت شناخته شده و مشروعیت بخشیده شود.

آموزش شهروندی باید به افراد کمک کند تا شناخت شفاف و درستی از نقش خود در جامعه جهانی کسب نمایند و درک کنند چگونه زندگی آنها در جوامع فرهنگی شان، زندگی ملل دیگر را تحت تاثیر قرار می‌دهد و چگونه رویدادهای جهانی می‌توانند زندگی روزمره آنها را تحت تاثیر قرار دهند.

آموزش جهانی باید به فراگیران کمک نماید تا وابستگی ملتها را در دنیای امروز درک کنند، نگرش‌های شفاف نسبت به ملل دیگر داشته و به ارزش‌های جهانی احترام بگذارند.

یکی از اهداف مهم تربیت شهروندی باید کمک به فراگیران در کسب هویت فردی، ملی و جهانی بوده تا به عنوان یک شهروند جهانی برای حل معضلات و مشکلات دشوار بین‌المللی مانند تضاد، جنگ، همه گیری ایدز، فقر جهانی، و ... مشارکت فعال و کلیدی داشته باشند.

لذا از دانشگاه‌ها انتظار می‌رود در تربیت شهروندانی که نسبت به مسائل ملی، منطقه‌ای و جهانی فکری باز داشته باشند نقش فعالانه‌تری ایفا نمایند.

بیان مسئله

نگاهی گذرا به سابقه نظام آموزش عالی کشور و توجه به تحقیقات انجام شده در این زمینه، بیانگر این واقعیت است که آموخته‌های نظری و عملی حاصل از این آموزش‌ها در جهت

تجربی، مدلی را برای تربیت شهروند حرفه‌ای در نظام آموزش عالی کشور تدوین نموده و زمینه‌های نظری و غنای تجربی را در ادبیات آموزش عالی کشور فراهم سازد.

اهمیت و ضرورت پژوهش

جمهوری اسلامی ایران مانند بسیاری از کشورها دیر یا زود به عنوان یکی از شرکت کنندگان در اقتصاد جهانی و بازار بین‌المللی ناگزیر به رقابت در عرصه بین‌المللی خواهد شد. لذا ایجاد صلاحیت‌های کلیدی در دانشجویان دانشگاه‌ها به عنوان شهروندان حرفه‌ای، می‌تواند نقش مهمی در توسعه همه جانبه و دستیابی به استانداردهای بین‌المللی داشته باشد و نتایج مهم اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و نهایتاً بهبود کیفیت زندگی را حاصل نماید.

اهمیت تربیت شهروندان حرفه‌ای را از دیدگاه‌های مختلف می‌توان مورد توجه قرار داد. از دیدگاه اقتصادی، ایجاد صلاحیت‌های حرفه‌ای در افراد از این جهت حائز اهمیت است که در افزایش بهره‌وری، تربیت نیروی کار ماهر و کیفی و ایجاد یک محیط مناسب برای نوآوری در دنیای رقابتی جهانی نقش مهمی دارند. از دیدگاه اجتماعی، افزایش درک فرد از مسائل سیاسی، مشارکت در جریانات دموکراسی، وحدت اجتماعی، عدالت و تقویت حقوق انسانی و خودگردانی را به همراه دارد.

آموزش شهروندان حرفه‌ای به دلیل نیاز جامعه به افرادی که بتوانند فعالانه در زندگی اجتماعی مشارکت نموده و با شیوه‌های گوناگون در سلامت و رفاه جامعه و محیط محلی، ملی و جهانی بکوشند. حائز اهمیت است. اگر چه کلیه افراد بدون توجه به جایگاه اقتصادی و اجتماعی، اطلاعات و یا مهارت‌ها، در حقوق و مسئولیت‌های شهروندی مشارکت دارند، اما بدیهی است که اثر بخشی، کارایی و توانایی آنها در انجام وظایف مؤثر به عنوان یک شهروند در جامعه فرا مدرن و فرایچیده به کمیت و کیفیت ظرفیت سازی‌هایی که در آنها صورت گرفته است بستگی تام دارد. فرصت‌های آموزشی فراهم شده در مراکز آموزشی باید به موازات سایر تغییرات اجتماعی بوده و در یک فرایند دو سویه و تعاملی، ضمن ایجاد تغییر در جامعه در جهت آماده نمودن شهروندان آینده، تغییرات سریع و شتابان جامعه را نیز مورد ملاحظه قرار دهد. ضرورت‌های فوق، فقدان یک برنامه مدون و چارچوب حرفه‌ای متناسب با آموزش عالی کشور که دارای پشتوانه نظری باشد، مشوق پژوهشگر در کنکاش و پژوهش در امر چگونگی تربیت شهروند حرفه‌ای با ضوابط علمی در چارچوب سئوالات ذیل گردیده است.

پرورش شهروند حرفه‌ای با واقعیات موجود در خصوص شهروندی حرفه‌ای کشورهای پیشرفته جهان تفاوت دارد.

در طلیعه دنیای فرایچیده هزاره سوم، تغییر ماهیت بازار اقتصاد و اشتغال و دانش بر شدن آن، تنوع نیازهای آموزشی، نیاز به یادگیری مادام‌العمر از یک سو و انفجار اطلاعاتی، ماهواره‌های مخابراتی، نوری، آموزشی و نظام‌های شبکه‌ای از سوی دیگر آموزش کشور را تحت شعاع قرار داده و از طرف دیگر مهندسی مجدد ساختار آموزشی، محتوا و روش‌های آموزشی را ایجاب کرده است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد محتوای نظام آموزش عالی کشور تقریباً به طور مستقیم از اهداف کلی نظام و مقاصد اصلی رشته‌ها در همه سطوح سرچشمه نگرفته است و محتوا از اهداف فاصله دارند، لذا فراگیران، آموزشی را که آنان را به شهروندان حرفه‌ای تبدیل کند دریافت نمی‌کنند.

دانشگاه‌ها در شبکه پیچیده‌ای از فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی محلی، ملی، منطقه‌ای جهانی عمل کرده و در معرض انتظارات و انتقادات زیادی از سوی جامعه قرار دارند. همچنین همانند مؤسسات دیگر با تغییرات مهم حاصل از پیشرفت‌های سریع تکنولوژیکی و پیامدهای آن مواجه‌اند. فلذا به دلیل اهمیت دانش و سرمایه‌های انسانی در جامعه و نظام اقتصادی دانش محور هزاره جدید، در سال‌های اخیر توجه زیادی به کمیت و کیفیت دانش، مهارت و صلاحیت‌های حرفه‌ای معطوف شده است. در نتیجه، شاخص‌های جدید بازده آموزشی از معیارهای سنتی (تعداد سال‌های تحصیل یا بالاترین مدرک کسب شده) فراتر رفته و نه تنها آنچه فرد می‌داند و می‌تواند انجام دهد اهمیت یافته است بلکه قابلیت و توانایی فرد در پاسخ به تقاضاهای متکثر و متلون زندگی اجتماعی و اقتصادی نیز مورد توجه خاص قرار گرفته است. در حال حاضر بیشتر نظام‌های آموزشی به ویژه نظام‌های آموزش عالی که مسئولیت سنگین تربیت شهروندان حرفه‌ای و متخصص جامعه را برعهده دارند برنامه‌های خود را در این خصوص مورد تامل و تعمق قرار داده و با بازنگری‌های عالمانه، تلاش خود را به تربیت انسان‌های متعادل و شایسته و متناسب با شرایط فعلی متمرکز نموده‌اند تا در بازار رقابتی که در آن دانش و صلاحیت‌های حرفه‌ای نقش اصلی را برعهده دارد جایگاهی برای خود بیابند. بر این اساس، با عنایت به جایگاه شایسته‌ای که در نظام ارزشی ما برای انسان‌های متعالی وجود دارد و با توجه به فقدان نظریه پردازی و خلاء یک چارچوب نظری و ادراکی پژوهشگر بر آن شده است تا با مطالعه نظری و

سئوالات پژوهش

- ۱- صلاحیت‌های اصلی شهروند حرفه‌ای در هزاره سوم کدامند؟
- ۲- چه مدلی را می‌توان برای تربیت شهروند حرفه‌ای در نظام آموزش عالی کشور ارائه داد؟
- ۳- درجه تناسب مدل پیشنهادی از نظر رؤسای دانشگاه‌ها، رؤسای دانشکده‌ها و مدیران گروه‌ها، اعضای هیات علمی واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی و متخصصان آموزش عالی کشور چگونه است؟

مروری بر ادبیات پژوهش

در این قسمت پیشینه پژوهش در چهار بخش ایران، جهان، مبانی نظری و مؤلفه‌های مستخرجه آورده می‌شود:

الف) پیشینه پژوهش در ایران: با توجه به بررسی انجام شده، تحقیق مستقلی در خصوص صلاحیت‌های شهروندی حرفه‌ای و نحوه تربیت آن در نظام آموزش عالی کشور صورت نگرفته است. صرفاً در برخی مقالات به صورت غیر مستقیم به مؤلفه‌های شهروندی حرفه‌ای اشاره شده و نیز در مقاطع ابتدایی و متوسطه وزارت آموزش و پرورش مهارت‌های رشد حرفه‌ای به صورت مهارت‌های زندگی به صورت کتاب درسی آمده است. همچنین وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، وزارت جهاد کشاورزی و برخی دستگاه‌های دیگر اقداماتی در زمینه گسترش مفاهیم مهارت‌های زندگی کرده‌اند.

ب) پیشینه پژوهش در جهان: در جهان آموزش شهروندی یکی از حوزه‌هایی است که در بیش از یک دهه گذشته در برنامه‌های درسی نظام‌های آموزشی بیشتر کشورها مورد توجه خاص قرار گرفته و در دنیای عمل به اجرا گذاشته شده است.

باید اذعان نمود که آموزش شهروندی ریشه در عصر باستان دارد. اما در زمان معاصر اهمیت خود را در طول انقلاب‌های فرانسه و امریکا و همچنین در جنبش‌های روشنگری روشنفکران در اروپای غربی و مرکزی به دست آورده است.

با این حال، برای تحلیل شهروندی، مؤثرترین الگوی مفهومی مدلی ساده و روشن برای شهروندی است که توسط جامعه شناس انگلیسی، تی.اچ. مارشال^۱ ارائه شده است. از نظر وی، شهروندی دست کم سه حیطة جداگانه یعنی حیطة قضایی، حیطة سیاسی و حیطة اجتماعی را در بر می‌گیرد.

اما در خصوص آموزش عالی پروفیسور میشل اروت^۲ بر اساس کار شون^۳ چارچوب مفیدی از آموزش حرفه‌ای در آموزش عالی

ارائه داده که مشتمل بر دانش شخصی و ضمنی، دانش فرایندی و دانش موضوعی است.

منظور از دانش موضوعی همان دانش رشته‌ای است که بر پایه مفاهیم و اصول عملی استوار بوده و در یک زمینه حرفه‌ای بکار گرفته می‌شود. نوع دوم دانش حرفه‌ای، دانش شخصی است که منظور از آن تعبیر و تفسیر تجارب است.

نوع سوم از آموزش حرفه‌ای، دانش فرایندی است یعنی دانستن چگونه اجرا کردن فرایندهای مختلف که در یک اقدام حرفه‌ای نقش و سهم دارند و مشتمل بر ۱- فرایند کسب اطلاعات ۲- رفتار مهارتی ۳- فرایندهای تدریس ۴- دادن اطلاعات ۵- کنترل رفتار خود می‌باشند.

گری هاپکینز^۴ (۲۰۰۲) در مجموعه جهان آموزش می‌نویسد، اگر بخواهیم یک آموزش حرفه‌ای ارائه داده و شهروند حرفه‌ای تربیت نماییم باید از طریق برنامه‌های درسی به آنان صداقت، دلسوزی، احترام، مسئولیت پذیری و شجاعت را آموزش دهیم. این نوع آموزش‌ها از دوران ابتدایی آغاز و در دوران دانشگاهی نهادینه می‌گردد.

آندره کودلینگ^۵ (۲۰۰۳) نتایج پژوهش خود را در خصوص آموزش حرفه‌ای در قالب مدلی ارائه داده است. او اشاره می‌کند که برای تربیت و آموزش حرفه‌ای باید یک زبان مشترک مدیریت و رهبری آکادمیکی ایجاد نموده و بر اساس برقراری ارتباطات سمبولیک بین کارکنان، اعضای هیات علمی و مدیران دانشگاهی در یک ساختار سازمانی و از طریق رشد و توسعه حرفه‌ای این زبان مشترک را نهادینه ساخته و زمینه ارتقای کارکنان و هیات علمی را فراهم آوریم و آنان به نوبه خود این زبان مشترک را به دانشجویان آموزش دهند. این مدل تاکید در استفاده تلفیقی از روش‌های دانشگاهی سنتی و روش‌های حرفه‌ای دارد.

آلیس چو^۶ (۲۰۰۳) در قبال این سؤال که دانشگاه‌های ما چه نوع انسانی را باید تربیت کنند، تاکید می‌ورزد که دانشگاه‌های ما نباید دلخوش به صدور مدرک کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری باشند، بلکه باید شهروندان حرفه‌ای برای زندگی تربیت کنند که به ایجاد تغییر و دگرگونی در جامعه بپردازند و دانش، مهارت و بینش خود را با افراد جامعه و کل جامعه شریک شوند.

از جولای ۱۹۹۸ دانشگاه ایلینویز (Illionis) تجارب با ارزشی را در تدوین برنامه تربیت شهروند حرفه‌ای آغاز کرده است. در آن

3. Schon
4. Hopkins
5. Codling
6. Alice Chu

1. Marshal
2. Michael Eraut's

یکی از چالش‌های اصلی دانشگاه‌ها این است که چگونه دانشجویان را آماده کنند تا در دنیای بسیار متغیر و متلون کنونی، شهروندانی خود گردان باشند. رسالت دانشگاه این است که در دانشجویان تفکر انتقادی، تحلیلی و خلاق و توانایی اتخاذ تصمیمات اخلاقی ایجاد کند و آنها را برای کشف معنا در زندگی و حل مسائل فرآینچیده‌ای که در جامعه محلی، ملی و جهانی با آن مواجه‌اند تربیت نماید. دانشگاه باید شبکه ارتباطی فرهنگی و فکری باشد.

برخی بر این عقیده‌اند که برنامه آموزش عمومی دانشگاه باید دانشجویان را برای متخصص شدن و تحصیلات بالاتر یا کسب مهارت‌های شغلی آماده کند. اما نکته قابل توجه این است که انجام موارد فوق به تنهایی با رسالت‌های متعالی دانشگاه تناقض دارد. دانشگاه باید علاوه بر ایجاد مهارت‌های شغلی و تخصصی، مهارت‌های اندیشیدن (مانند تفکر خلاق، توانایی استدلال، نحوه ارائه یک بحث، پردازش و ترکیب اطلاعات و غیره) را در دانشجویان ایجاد کند.

برنامه آموزش عمومی دانشگاه میسون^۱ بر اهداف زیر به عنوان قابلیت‌هایی که هر دانشجو باید کسب نماید متمرکز است:

- دانشجویان قادر باشند ایده‌های خود را به صورت واضح انتقال دهند و بحث‌های شفاهی و کتبی مطرح و از آنها دفاع کنند.
- دانشجویان قادر باشند اطلاعات را درک، تحلیل، تفسیر و ارزیابی کنند.
- دانشجویان قادر باشند از طریق دانش استدلال کمی، روش علمی و تحلیل روندهای تاریخی، پدیده‌ها را ماهرانه اندازه‌گیری، مشاهده و تحلیل کنند.
- دانشجویان قادر باشند بر اساس مشاهدات نتیجه‌گیری و نتایج آن را آزمون کنند.
- دانشجویان قادر باشند با مبانی تاریخی و فلسفی، ساختار و کارکردی جامعه به ویژه نهادهای سیاسی آشنا شوند.
- دانشجویان آماده شوند تا به عنوان شهروندان جهانی از طریق دانش و درک سایر فرهنگ‌ها عمل کنند.
- دانشجویان از طریق بهادادن به هنر، آگاهی، معنا و غنا را دنبال کنند.
- دانشجویان قادر شوند راه‌حل‌های خلاق را تشخیص و تولید کنند و دانش جدید را ترکیب کنند.
- دانشجویان قادر باشند مسائل اخلاقی را تشخیص و مورد توجه قرار دهند.

سال، شورای عالی آموزش عالی اینلینوئیز این سؤال را مطرح نمود که برنامه تربیت شهروند حرفه‌ای برای قرن ۲۱ باید شامل چه مطالبی باشد، آنگاه از طریق پیمایش گروه‌های مخاطب، نشست‌ها، مصاحبه‌ها، مرور مقالات و آثار منتشره و با گفتگو با متخصصان برجسته به جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها پرداخت و سپس پیش نویس برنامه تربیت شهروند حرفه‌ای را تدوین نمود و به مدد انجمن‌های تخصصی و علمی اصلاحات پیشنهادی را اعمال نمود و سرانجام به تأیید شورای آموزش عالی اینلینوئیز برای قرن ۲۱ رسانید.

در اهداف این برنامه آمده است شهروندان حرفه‌ای دانشگاه باید به رشد اقتصادی در بخش تجارت و صنعت کمک نموده و زمینه ارتقای کیفی آموزش ابتدایی و متوسطه را فراهم آورده و فرایند یاد دهی و یادگیری را ارتقا بخشند.

اگر بخواهیم برنامه شهروند حرفه‌ای را در اینجا خلاصه کنیم این برنامه در قالب شش هدف بزرگ به تفکیک آورده می‌شود:

هدف (۱) رشد اقتصادی

هدف (۲) تدریس و یادگیری

هدف (۳) قابلیت دسترسی شهروندان به آموزش

هدف (۴) تنوع و گوناگونی شهروندان در برنامه‌های آموزشی

هدف (۵) کیفیت و انتظارات سطح بالا در یادگیری

هدف (۶) بهره‌وری و پاسخگویی

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که با ناپدید شدن مرزهای ملی، برای تربیت شهروندان جهانی آگاه و فعال چه عناصری باید در برنامه‌های درسی و آموزشی گنجانده شود؟ از آنجایی که وظیفه مؤسسات آموزش عالی، تربیت شهروند حرفه‌ای است تعریف مجدد شهروندی برای تمرکز بر آنچه در دانشگاه‌ها ارائه می‌شود مفید به نظر می‌رسد. برخی از مهم‌ترین این عناصر عبارتند از:

- دانش جامع در باره نظام‌های سیاسی جهان
- دانش جامع در باره نظام‌های اقتصادی جهان
- مهارت‌های تفکر انتقادی برای تحلیل مسائلی که در خطوط سیاسی و اقتصادی می‌چرخد
- مهارت‌های ارتباط بین فرهنگی
- فرصت برای مشارکت عملی به عنوان شهروندان فعال
- فرصت‌هایی برای دلسوزی و احساس همدلی نسبت به دیگران

آموزش جهانی باید به دانشجویان کمک کند تا دنیا را شخصی کنند و اتصالاتشان را با افرادی که در کشورهای دیگر زندگی می‌کنند درونی کنند.

• دانشجویان با فناوری اطلاعات آشنا و قادر شوند فناوری را در زندگی و تحصیلات خود استفاده نمایند.

ج) مبنای نظری: برغم بحث نظری زیاد در حوزه شهروندی، مفهوم شهروندی هنوز یک مفهوم بحث برانگیز و مجادله انگیز است. به منظور انسجام بخشی منابع معرفتی و نظری آموزش شهروندی آورده می‌شود.

مک لاگین^۱ (۱۹۹۲) در طبقه‌بندی خود از شهروندی بین شهروندی وسیع و همگانی^۲ و شهروندی ویژه^۳ و محدود تفاوت قائل شده است. به زعم وی، آموزش شهروندی همگانی جایی بکار می‌رود که حساسیت عمومی وجود دارد و باید در برنامه درسی رسمی مؤسسات آموزشی به طور آشکار به آن پرداخته شود و آموزش شهروندی ویژه، جایی کاربرد دارد که شهروندی یک مسئله (دلواپسی) بسیار خصوصی است و باید از طریق برنامه‌های درسی پنهان به صورت غیر رسمی ارائه شود.

شهروندی به مفهوم وسیع، مدت‌های مدیدی در بخش رسمی یاد دهی و یادگیری مؤسسات آموزشی در قالب موضوعاتی مانند تعلیمات زبان، تاریخ و جغرافیا به صورت آشکار یا تحت عنوان موضوعاتی مانند مدنی، مهارت‌های زندگانی، آموزش اخلاق، آموزش فردی و اجتماعی و مطالعات جهانی مطرح شده است.

آموزش مدنی^۴ بیشتر با آموزشی مرتبط است که بر دانش مربوط به عناصر جامعه تاکید می‌کند، در حالی که آموزش شهروندی^۵ بر یک فرایند یادگیری فعال و مشارکتی دلالت دارد (موریس و کوگان، ۲۰۰۱، صفحات ۱۰۹ تا ۱۲۳).^۶

به این ترتیب، آموزش شهروندی را می‌توان روی یک پیوستار فعال - منفعل نشان داد که در آن شهروندی منفعل، محصول آموزشی است که درصدد توسعه دانش، فهم و رفتارهای شهروندی است و شهروندی فعال، مدل منفعل را با توانایی انتقاد، بحث و پیشنهاد مدل‌های دیگر ساختارها و فرایندهای دموکراسی بهبود می‌بخشد.

با توجه به این اساس تئوریک، تشخیص تفاوت بین شکل‌ها و تفسیرهای آموزش شهروندی ارزشمند است. برای مثال، بسیاری از نویسندگان، یک پیوستار حداقل و حداکثر را توصیف می‌کنند (موریس و کوگان- ۲۰۰۱، صفحات ۱۲۳ تا ۱۰۹)^۷

آموزش شهروندی

حداقل:	حداکثر:
سطحی و کم عمق،	عمیق و همگان،
انحصاری،	جامع،
منفعل،	فعال،
آموزش مدنی،	آموزش شهروندی،
رسمی،	مشارکتی،
محتوا محور،	فرایند محور،
دانش محور،	ارزش مدار،
انتقال از طریق معلم	تفسیر تعاملی
تحقق و اندازه‌گیری در عمل آسان‌تر	تحقق و اندازه‌گیری در عمل دشوارتر،
متکی به کتاب درسی،	استفاده از انواع منابع،

بلایت^۸ (۱۹۸۴) با ارائه طبقه‌بندی دیگر، آموزش شهروندی را به مقوله‌های زیر تقسیم کرده است:

آموزش در باره شهروندی: دانش کافی در مورد تاریخ ملی، ساختار و فرایندهای حکومت و زندگی سیاسی به فراگیران ارائه می‌دهد.

آموزش از طریق شهروندی: که در آن فراگیران از طریق انجام دادن و تجربه مشارکت فعال در مؤسسات آموزشی و اجتماع محلی و فراتر از آن می‌آموزند. این مشارکت مؤلفه‌های یادگیری را تقویت می‌کند.

آموزش برای شهروندی: دو مقوله دیگر را نیز در بر می‌گیرد و فراگیران را با ابزارهایی (دانش و فهم، مهارت‌ها و استعدادها، ارزش‌ها و گرایش‌ها) آشنا می‌کند که آنها را قادر به مشارکت فعال و آگاهانه در نقش‌ها و مسئولیت‌هایی که در زندگی با آن مواجه می‌شوند می‌نماید.

بررسی تفاوت بین اشکال آموزش شهروندی می‌تواند در تدوین و اجرای برنامه‌های آموزش شهروندی مفید باشد.

کریک (Crick 1999) می‌گوید آموزش شهروندی، بر شهروندی و سیاست به عنوان موضوعات مشارکتی و مجادله انگیز متمرکز است و هدف آن بحث و بررسی انواع ارزش‌ها و علایقی است که در یک جامعه متکثر وجود دارد.

آموزش شهروندی به همان اندازه که به محتوا می‌پردازد بر فرایند یاد دهی و یادگیری نیز متمرکز است و به ترکیب وسیعی از رویکردهای یاد دهی و یادگیری، از روش‌های معلم محور گرفته تا روش‌های تعاملی متمایل است (موریس و کوگان، ۲۰۰۱).^۹

1. Mclaughlin
2. Thick Citizenship
3. Thin Citizenship
4. Civic Education
5. Citizenship Education
6. Morris & Cogan, 2001
7. Morris and Cogan, 2001

8. Blyth

9. Morris and Cogan, 2001

تغییرات مکرر در نوع شغل در آینده به نظر می‌رسد از ضروریات زندگی آینده نسل‌های بعدی باشد. بنابراین، آموزش سنتی با تمرکز محدود بر یک یا دو نوع هوش به مواجهه موفقیت آمیز با چالش‌ها و نیازهای آینده کمکی نخواهد کرد. در هزاره جدید، فارغ‌التحصیلان نباید به تکنیسین شدن یا متخصص شدن در یک زمینه خاص محدود شوند بلکه باید شهروندان و رهبران هوشمندی برای پیشرفت جامعه باشند. به عبارت دیگر، آنها باید نه تنها دارای دانش و مهارت‌های حرفه‌ای باشند، بلکه باید برای توسعه بیشتر و نوآوری از خلاقیت و هوش سطوح بالاتر نیز برخوردار شوند. به ویژه، آنها باید این پتانسیل را داشته باشند که برای رهبری و هدایت خلاقانه و عاقلانه توسعه کل جامعه یا دهکده جهانی در مواجهه با چالش‌های هزاره جدید، شهروندانی باهوش متعدد زمینه‌ای باشند. اما سؤال مهمی که در این زمینه مطرح می‌شود این است که چگونه شهروندان و رهبران دارای هوش متعدد زمینه‌ای را تربیت کنیم؟

تئوری تربیت شهروندان واجد صلاحیت جهانی (تئوری پنج ضلعی هوش‌های چندگانه زمینه‌ای (Cheng, 2000) از نظر گاردنر (۱۹۹۳) انسان دارای هفت نوع هوش (هوش موسیقی، هوش حرکات بدنی، هوش ریاضی منطقی، هوش زبانی، هوش فضایی، هوش میان فردی و هوش درون فردی) می‌باشد. گاردنر معتقد است این دیدگاه بیولوژیکی از هوش‌های متعدد می‌تواند برای درک صلاحیت شناختی فرد از لحاظ یک سری توانایی‌های اساسی یا «هوش» مفید باشد. برای تربیت نسل جدیدی از رهبران برای رهبری و هدایت جامعه در یک محیط فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و تکنولوژیکی پیچیده، این دیدگاه ممکن است بسیار ساده و محدود بوده و با آموزش هزاره سوم تناسب زیادی نداشته باشد. در مقایسه، این تیپ شناسی بیولوژیکی هوش‌های چندگانه ممکن است برای طراحی برنامه‌های درسی و پداگوژی و آموزش کودکان یا آموزش ابتدایی برای ایجاد توانایی‌های اساسی مفید باشد، اما به اندازه کافی پیچیده نیست تا بتوان آن را برای آموزشی مبتنی بر پیشرفت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و تکنولوژیکی بر اساس بافت و زمینه‌ای که در آن قرار گرفته‌اند بکار برد. به زعم چنگ هوش انسانی باید به هوش چندگانه زمینه‌ای^۱ تقسیم شود که مشتمل بر هوش تکنولوژیکی، هوش اجتماعی، هوش فرهنگی، هوش سیاسی، هوش اقتصادی، و هوش یادگیری باشد.

تعریف هر یک از این هوش‌ها در جدول ذیل به طور خلاصه آمده است. به نظر می‌رسد که طبیعت انسان در بافت‌های پیچیده را می‌توان به شخص تکنولوژیکی، شخص اجتماعی، شخص اقتصادی، شخص فرهنگی، شخص سیاسی، شخص در حال یادگیری و حتی شخص چندگانه زمینه‌ای شده تقسیم کرد.

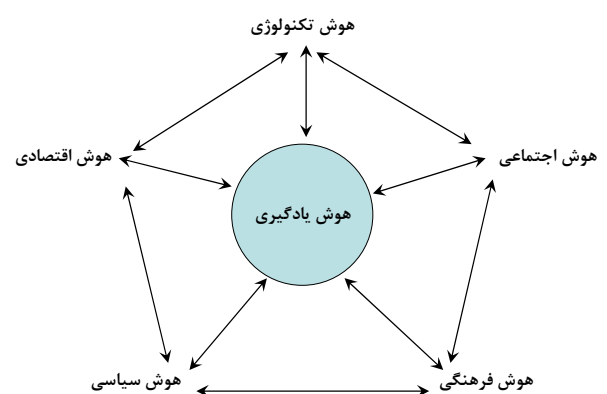
با توجه به اینکه بافت‌های اجتماعی و جهانی بسیار پیچیده، متنوع، متعدد، متغیر و چالش انگیز هستند، کاملاً منطقی است که انتظار داشته باشیم نسل‌های جدید حداقل از هوش‌های متعدد، زمینه‌ای را برای برخورد با چالش‌های چنین بافت‌های فراپیچیده هزاره سوم داشته باشند. این بدین معناست که آموزش در عصر جهانی شدن، تنوع و تکثر و فناوری اطلاعات باید دانش آموزان و دانشجویان را به عنوان شهروندان و رهبرانی که برای رهبری جامعه جدید و دنیای جدید که دارای هوش متعدد زمینه‌ای هستند تربیت نماید.

جدول هوش چندگانه زمینه‌ای (Contextualized Multiple Intelligence) و بازده مورد انتظار آموزش (Cheng, 2000)

ماهیت انسان در بافتهای اجتماعی	هوش چندگانه زمینه‌ای	تعریف هوش چندگانه زمینه‌ای	بازده مورد انتظار آموزش
شخص تکنولوژیکی	هوش تکنولوژیکی	توانایی تفکر، عمل و مدیریت به صورت تکنولوژیکی و به حداکثر رساندن مزایای انواع مختلف	یک شهروند و رهبر دارای هوش تکنولوژیکی که می‌تواند در توسعه تکنولوژیکی جامعه نقش داشته باشد.
شخصی اقتصادی	هوش اقتصادی	توانایی تفکر، عمل و مدیریت اقتصادی و بهینه کردن استفاده از منابع مختلف	یک شهروند و رهبر دارای هوش اقتصادی که می‌تواند در توسعه اقتصادی جامعه نقش داشته باشد.
شخصی اجتماعی	هوش اجتماعی	توانایی تفکر، عمل و مدیریت اجتماعی و توسعه مؤثر و هماهنگ روابط میان فردی	یک شهروند و رهبر دارای هوش چندگانه اجتماعی که می‌تواند در توسعه اجتماعی جامعه سهیم باشد.
شخص سیاسی	هوش سیاسی	توانایی تفکر، عمل و مدیریت سیاسی و افزایش بازده در موقعیتهای تضاد منابع و منافع	یک شهروند و رهبر دارای هوش چندگانه سیاسی که می‌تواند در توسعه سیاسی جامعه سهیم باشد.
شخص فرهنگی	هوش فرهنگی	توانایی تفکر، عمل و مدیریت فرهنگی و استفاده بهینه از داراییهای چند فرهنگی و خلق ارزشهای جدید	یک شهروند و رهبر دارای هوش چند گانه که می‌تواند در توسعه فرهنگی جامعه مشارکت داشته باشد.
شخص در حال یادگیری	هوش یادگیری	توانایی یادگیری و تفکر خلاقانه و انتقادی و بهینه کردن استفاده از تواناییهای بیولوژیکی و روانی	یک شهروند و رهبری که دائماً در حال یادگیری است و می‌تواند در توسعه یادگیری جامعه نقش داشته باشد.
شخص دارای هوش چند گانه	هوش چندگانه زمینه ای	توانایی جامعه از جمله یادگیری تکنولوژیکی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و هوشهای یادگیری و همچنین خلق و انتقال هوش	یک شهروند و رهبر دارای هوش چندگانه که می‌تواند خلاقانه در توسعه تکنولوژیکی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و یادگیری جامعه مشارکت داشته باشد.

بر اساس هوش‌های متعدد زمینه‌ای، «چنگ» یک تئوری پنج ضلعی ایجاد هوش‌های متعدد زمینه‌ای را برای بازسازی مفهومی در آموزش مطرح کرده است که در شکل زیر نشان داده شده است.

تئوری پنتاگون (پنج ضلعی) هوش‌های متعدد زمینه‌ای



تئوری پنتاگون (پنج ضلعی) را می‌توان به شرح ذیل در تربیت شهروندان مورد استفاده قرار داد:

الف) ایجاد هوش‌های متعدد زمینه‌ای: ایجاد هوش‌های متعدد زمینه‌ای در دانشجویان، شرط اصلی تربیت نسل جدید رهبران

و شهروندان آینده جامعه در ابعاد تکنولوژیکی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و یادگیری است. بنابراین، آموزش باید با اتصال عینی و شفاف با رشد هوش‌های متعدد زمینه‌ای مورد بازسازی و اصلاح قرارگیرد.

ب) تشویق به ایجاد تعامل بین هوش‌های متعدد زمینه‌ای: ارتباط بین این شش هوش به صورت تعاملی و دو جانبه، به وسیله هوش یادگیری در مرکز تقویت می‌شود. اگر بخواهیم شهروندانی با ذهن گسترده و هوش متعدد داشته باشیم تا بتوانند از عهده چالش‌های دنیای فرابپیچیده جدید برآیند طراحی آموزش باید چنین تعاملاتی را بین هوش‌های متعدد زمینه‌ای تقویت و تسهیل نماید.

ج) تسهیل انتقال هوش و خلاقیت: انتقال هوش از یک نوع به نوع دیگر برای دستیابی به سطوح بالاتر هوش یا فراندیشیدن^۱ در یک یا چند حوزه تسهیل و تشویق شود.

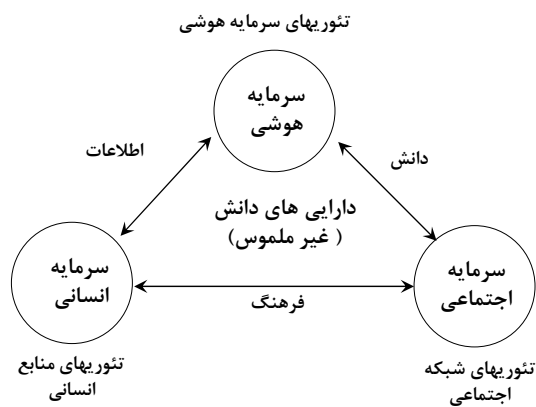
د) در مرکز قراردادن هوش یادگیری: رشد هوش یادگیری جهت ارتقای رشد هوش‌های دیگر نقش اساسی ایفا می‌کند.

ه) جهانی سازی، بومی کردن و فردی کردن آموزش: به منظور افزایش فرصت‌ها برای رشد هوش‌های متعدد زمینه‌ای در

آموزش شهروندی یک فرایند یادگیری مداوم و مادام‌العمر است که رشد تمامیت شخصیت فرد را در بر می‌گیرد و به محصول یا پیامد یک برنامه درسی برای یک مدت زمان یا مکان معین محدود نمی‌گردد. این امر (آموزش شهروندی) مستلزم اتخاذ یک رویکرد کل نگر به آموزش شهروندی و تلاش‌های جمعی جامعه است.

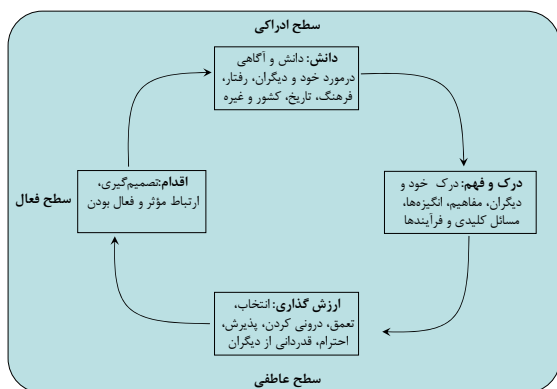
• مدل درک دارایی‌های دانش (Malhotra, 2003)

این تئوری بر اساس تلفیق تئوری‌های سرمایه هوشی، سرمایه شبکه اجتماعی و تئوری‌های سرمایه منابع انسانی تدوین شده است و در سه بعد اطلاعات، دانش و فرهنگ موجبات غنای زندگی شخصی و حرفه‌ای شهروندان را فراهم می‌کند.



• چرخه سطوح یادگیری و یاد دهی در آموزش شهروندی (UNESCO- APNEVE, 2002)

در آموزش شهروندی، چرخه سطوح یاد دهی و یادگیری، سه سطح ادراکی (دانش و فهم)، سطح عاطفی (ارزش گذاری و درونی کردن) و سطح فعال (اقدام و عمل) را در بر می‌گیرد.



دانشجویان، جهانی سازی، بومی کردن و فردی کردن یاد دهی و یادگیری مهم و ضروری است.

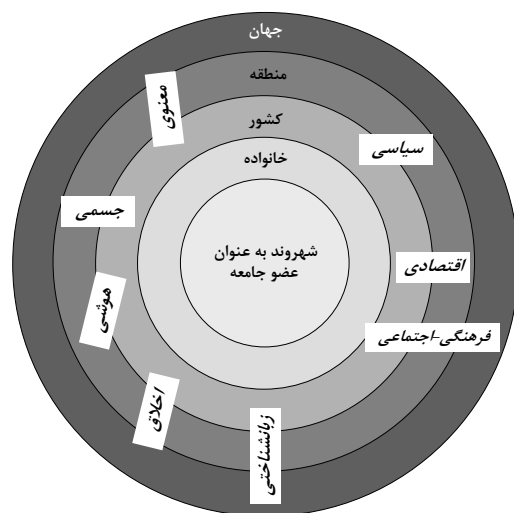
- مدل چند بعدی تربیت شهروندی (Grosman et al., 2000) بر اساس این مدل، تربیت شهروندی مشتمل بر ابعاد فردی، اجتماعی، محیطی و زمانی است که از طریق آموزش‌های مدنی، آموزش ارزش‌ها و آموزش محیطی انجام می‌شود.

شکل ابعاد شهروندی

شخصی: ظرفیت فردی و تعهد شخصی به اخلاق مدنی که مشخصه آن عادات ذهنی، قلبی و عملی مسئول است.	اجتماعی: توانایی زندگی و کار با دیگران برای دستیابی به اهداف مدنی
شهروند	
مکانی: ظرفیت در نظر گرفتن خود به عنوان یک عضو از اجتماعات همپوشان متعدد - محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی	زمانی: ظرفیت برقرار کردن ارتباط بین چالش‌های گذشته، حال به آینده؛ حس احترام به میراث فرهنگی و در عین حال داشتن نگاهی به آینده؛ با واقعیت در تماس بودن

• چارچوب کلی گسترش بافت اجتماعی تربیت شهروندی

این چارچوب بر این ایده استوار است که قلمرو برنامه‌های تربیت شهروندی به مرزهای ملی محدود نمی‌شود. بر این اساس، چرخه اجتماعی آموزش شهروندان از قلمرو فردی آغاز و سپس به خانواده، اجتماع محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی گسترش می‌یابد و در یک بافت تعاملی و متاثر از هم، با هم مرتبط هستند.



• رویکرد کل نگر آموزش شهروندی (Loudres R. Quisumbing, 2002)

معنوی و اخلاقی و مذهبی، صلاحیت جهانی و بین‌المللی، صلاحیت فردی، صلاحیت محیطی، صلاحیت سیاسی

سؤال دوم: چه مدلی را می‌توان برای تربیت شهروند حرفه‌ای در نظام آموزشی عالی کشور ارائه داد. پژوهشگر پس از مطالعات تطبیقی و بررسی مبانی نظری، مدلی مشتمل بر شش مؤلفه اصلی (فلسفه، اهداف، مبانی نظری، چارچوب ادراکی، مراحل اجرا، نظام ارزشیابی و مهندسی مجدد) به شرح ذیل تدوین نموده است:

فلسفه مدل

۱- تربیت شهروندان حرفه‌ای به عنوان یادگیرندگان مادام‌العمری که قادر به افزایش آگاهی نسبت به خود و محیط خود باشند و با عنایت به فرایند مداوم شکل دادن به تمامیت و کلیت هستی انسانی، به ایفای نقش خود تشویق شوند.

۲- تربیت شهروندان عالم، آگاه، متعهد و ماهر برای جامعه دانش، اقتصاد دانش و جهان متکثر و متلون امروز.

۳- تربیت شهروندانی که در یک محیط جهانی و بین‌المللی قادر باشند هویت فردی، اجتماعی، فرهنگی، حرفه‌ای و تکنولوژیکی متناسب با این محیط را کسب کنند.

اهداف مدل

۱- پرورش شهروندان حرفه‌ای که قادر باشند برای خلق آینده‌های بهتر با استفاده از پتانسیل‌های موجود به ظرفیت‌سازی‌های جدید منطبق با جامعه جهانی، منطقه‌ای، ملی و محلی بپردازند و با حفظ ارزش‌ها، در زندگی کاری، خانوادگی و اجتماعی خدمات حرفه‌ای ارائه دهند.

۲- تعیین صلاحیت‌های کلیدی یک شهروند حرفه‌ای که توانایی پاسخگویی فراگیر و جامع به نیازها و تقاضاهای روزافزون، نامتجانس و ناهمگون جامعه فرایچیده و اقتصاد رقابتی دانش‌بر را داشته باشد.

۳- رشد تمامیت و کلیت فرد، توسعه قوا و نیروهای فکری، عاطفی و ارادی افراد، پرورش متوازن و متعادل قلب، مغز و اراده با عنایت ویژه به معنویت، ارزش‌های درونی و منحصر به فرد بودن، آماده کردن شهروندان شکیبنا، صلح طلب، خلاق، منتقد، مسئول و آزاد در دنیای چند فرهنگی، چند نژادی و متنوع.

مبانی نظری

تئوری‌های ذیل، چارچوب نظری مدل پیشنهادی را تشکیل داده است:

د) مولفه‌های مستخرجه: براساس مرور ادبیات ایران، جهان و مبانی نظری صلاحیت‌های کلیدی ذیل استخراج گردیده است:

صلاحیت‌های تکنولوژیکی، صلاحیت‌های شغلی و کاری، صلاحیت‌های ارتباطی، صلاحیت‌های نیازآفرینی و آینده پژوهی، صلاحیت‌های نوآوری و خلاقیت، صلاحیت‌های مدیریتی و راهبردی، صلاحیت‌های یادگیری مادام‌العمر، صلاحیت‌های معنوی، اخلاقی و مذهبی، صلاحیت‌های محیطی، صلاحیت‌های تصمیم‌گیری، صلاحیت‌های جهانی و بین‌المللی اندیشیدن و عمل کردن، صلاحیت‌های کار و عمل در محیط‌های مجازی، صلاحیت‌های فردی، صلاحیت‌های پژوهشی، صلاحیت‌های فرهنگی، صلاحیت‌های سیاسی، صلاحیت‌های برنامه‌ریزی و نظم‌پذیری.

روش شناسی پژوهشی

این پژوهش از نوع پژوهش توصیفی - تحلیلی با کاربست دو پرسشنامه اولیه و بررسی مدل پیشنهادی انجام شده است. در این پژوهش با اجرای آزمایشی عناصر اصلی و مؤلفه‌های مدل از طریق روش اعتبار محتوا و روش بازآزمایی و روایی پرسشنامه با روش روایی محتوا مورد محاسبه و تأیید قرار گرفت. نظرات متخصصان آموزش عالی، اساتید و اعضای هیات علمی، رؤسای دانشکده‌ها و مدیران گروه‌ها و رؤسای دانشگاه‌ها ($n=480$) که دارای وزن بالاتری هستند در زمینه موارد مطرح شده در مدل دریافت گردید.

داده‌های تحقیق از طریق پرسشنامه با ۲۲ مؤلفه گردآوری و برای پردازش پاسخ‌های آزمودنی‌ها و نیل به مدل پژوهش از روش‌های آمار توصیفی و جداول توزیع فراوانی روش‌های آمار استنباطی، تحلیل واریانس و با استفاده از نرم افزار SPSS صورت گرفت.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش با توجه به سئوالات پژوهش به شرح زیر است:

سؤال اول: صلاحیت‌های کلیدی شهروند حرفه‌ای: با مرور ادبیات مربوط و پیشینه پژوهش، صلاحیت‌های ذیل به عنوان صلاحیت کلیدی شهروند حرفه‌ای استخراج شد:

صلاحیت‌های هوشی و فکری، صلاحیت تکنولوژیکی (فناوری)، صلاحیت اقتصادی، صلاحیت مدیریتی و رهبری، صلاحیت اجتماعی، صلاحیت فرهنگی، صلاحیت پژوهشی، صلاحیت

۶- صلاحیت‌های معنوی، اخلاقی و مذهبی: حفظ ارزش‌های الهی، حساسیت به اخلاقیات و معنویات، التزام عملی به ارزش‌ها

۷- صلاحیت‌های محیطی: سواد محیطی، زیبا شناختی، تعهد به تغییر سبک زندگی و عادات مصرف به منظور حفظ محیط.

۸- صلاحیت‌های جهانی و بین‌المللی (اندیشیدن و عمل کردن): توانایی نگرستن به مسائل در ابعاد جهانی، آگاهی و حساسیت به مسائل جهانی، جهانی اندیشیدن و محلی عمل کردن.

۹- صلاحیت‌های فردی: خود تنظیم‌کنندگی، نظم‌پذیری فردی، نظم‌پذیری جمعی، اعتماد به نفس، استقلال و خود راهبردی، مسئولیت‌پذیری، خودکنترلی.

۱۰- صلاحیت‌های پژوهشی: پژوهش‌مداری در برخورد با مسائل، برخورداری از روحیه پژوهشی، ترویج فرهنگ پژوهی، توانایی تصمیم‌گیری پژوهش‌محور.

۱۱- صلاحیت‌های فرهنگی: درک فرهنگ جهانی، تفاهم فرهنگی، توسعه میراث فرهنگی، پالایش فرهنگی، انتقال میراث فرهنگی، تحمل و پذیرش تفاوت‌های فرهنگی.

۱۲- صلاحیت‌های سیاسی: آگاهی سیاسی در سطح ملی، منطقه‌ای، بین‌المللی و جهانی، تمایل و توانایی مشارکت در فعالیت‌های سیاسی در سطوح ملی و بین‌المللی.

ب) قلمرو تربیت شهروندی: قلمرو تربیت شهروندی مشتمل بر قلمرو فردی، خانوادگی، محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی است.

ج) سطوح یاد دهی و یادگیری در تربیت شهروندی: مشتمل بر چهار سطح زیر است:

۱- سطح ادراکی: دانش و درک

۲- سطح عاطفی: ارزش‌گذاری و درونی کردن

۳- سطح فعال: اقدام و عمل

۴- نهادینه کردن و توسعه (ارزش افزوده ملی)

د) برونداد نظام آموزش شهروندی دانشگاه: دانش آموختگانی که قادر به ایجاد و اشاعه اقتصاد دانش‌بر، جامعه دانش و حاکمیت مدیریت دانش در تمام سطوح فردی، خانوادگی، شغلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و جهانی هستند.

مراحل اجرای مدل

اجرای مدل مستلزم طی کردن مراحل زیر است:

۱. تدوین و تصویب برنامه شهروند حرفه‌ای برای رشته‌ها و مقاطع مختلف آموزش عالی در شورای عالی برنامه‌ریزی دانشگاه آزاد اسلامی.

۲. تدوین و تصویب سرفصل‌ها منطبق بر مؤلفه‌های مدل.

مدل چند بعدی تربیت شهروندی، چارچوب کلی گسترش بافت اجتماعی تربیت شهروندی، تئوری تربیت شهروندان واجد صلاحیت جهانی، رویکرد کل‌نگری آموزش شهروندی، مدل درک‌داری‌های دانش، تئوری چرخه سطوح یادگیری و یاد دهی در آموزش شهروندی.

چارچوب ادراکی مدل

چارچوب ادراکی مدل مشتمل بر چهار بخش زیر است:

الف) صلاحیت‌های حرفه‌ای کلیدی: با رویکردی میان‌رشته‌ای و با عنایت به ادبیات و تئوری‌های موجود، به ویژه نظریه‌های سرمایه‌هوشی، سرمایه انسانی و سرمایه شبکه اجتماعی، اهم صلاحیت‌های کلیدی به دوازده مؤلفه و زیر مؤلفه‌های زیر تقسیم شده است:

۱- صلاحیت‌های تکنولوژیکی: سواد اطلاعاتی، توانایی بازاریابی اطلاعات و استفاده درست از آنها، درک فرهنگ شبکه‌ای، درک و رعایت آداب و رسوم شبکه‌ای، توانایی کار و عمل در محیط‌های مجازی.

۲- صلاحیت‌های اقتصادی (شغلی و کاری): ریسک‌پذیری، کارآفرینی، مهارت کسب درآمد، درک فرهنگ بهره‌وری، صلاحیت‌های بازاریابی حرفه‌ای، درک ویژگی‌های اقتصاد دانش‌بر، داشتن مهارت‌های یادگیری کارمدرار، کسب هویت حرفه‌ای، داشتن وجدان کاری، داشتن اخلاق کاری.

۳- صلاحیت‌های اجتماعی: مهارت‌های روابط میان فردی، مهارت‌های روابط درون فردی، مهارت‌های روابط برون فردی، مهارت‌های مشارکت، همکاری و کار گروهی، مهارت‌های مردمی، مهارت‌های نفوذ در دیگران و قانع ساختن آنها، مهارت درست گوش دادن، مهارت کنترل جمعی، اشتیاق به حل تضاد با روش‌های غیر خشونت‌آمیز، توانایی انجام کار گروهی، پذیرفتن مسئولیت برای نقش‌ها و وظایف.

۴- صلاحیت‌های هوشی (فکری): دانش و مهارت خلاقیت، مهارت تفکر انتقادی، دانش و مهارت تفکر سطح بالا (حل مسئله)، توانایی استفاده از پتانسیل‌ها و خلق و گسترش ظرفیت‌های جدید، توانایی تولید ایده‌های نو، یادگیری مادام‌العمر.

۵- صلاحیت‌های مدیریتی و رهبری: خود مدیریتی و خود راهبردی، مدیریت زمان، مدیریت بحران، مدیریت تضاد (مقابله با استرس و تضاد)، مدیریت تغییر، مدیریت مشارکت فعال، توانایی اتخاذ تصمیمات استراتژیک، نیاز آفرینی، آینده پژوهی، برنامه‌ریزی.

۵- دانشگاه را کاملاً مناسب دانسته و کاربست آنها را در آموزش شهروندی مورد تاکید خاص قرار داده‌اند.

- جداول ماتریس همبستگی ارتباط بین ۲۲ مولفه با یکدیگر را که با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شده است، ارتباط معنادار و قوی می‌داند، بنابر این مدل از انسجام کامل برخوردار است.

- با استفاده از تحلیل عاملی و روش گسترده (Extraction) و تجزیه به مولفه اصلی (Principal Component Analysis) ۴ مولفه از ۲۲ مولفه با سهم گسترده (فلسفه مدل ۹/۵۲۴، اهداف ۱/۳۸۲، مبانی نظری ۱/۱۸۸ و صلاحیت تکنولوژیکی ۱/۰۰۷) تشکیل شده است.

از نتایج تحلیل عاملی که بر روی کلیه مؤلفه‌ها انجام گردیده است و از روش‌های تجزیه به مؤلفه‌های اصلی تعداد ۴ مؤلفه تولید گردیده است که سهم هر یک از عوامل در هر یک از ۴ مؤلفه اصلی به شرح زیر است:

صلاحیت فردی (۰/۷۸۰) در ایجاد مولفه اول، قلمرو تربیت شهروند حرفه‌ای (۰/۵۴۹) و برونداد نظام آموزش شهروندی دانشگاه (۰/۴۴۳) در ایجاد مؤلفه دوم، فلسفه و اهداف مدل (۰/۶۴۱) در ایجاد مؤلفه سوم و صلاحیت‌های سیاسی (۰/۴۶۴) و کل چارچوب ادراکی مدل (۰/۳۷۷) در ایجاد مؤلفه چهارم بیشترین سهم را داشته‌اند.

- نتایج محاسبات میانگین و انحراف معیار کلیه مؤلفه‌ها در چهار گروه مطالعه نشان می‌دهد که بیشترین میانگین امتیازات داده شده به مدل پیشنهادی متعلق به رؤسای دانشکده‌ها و مدیران گروه‌ها با مقیاس ۴/۸۱ از ۵ می‌باشد. این نتیجه بسیار با ارزشی است زیرا مدیران گروه‌ها و رؤسای دانشکده از اقتدار و مشروعیت قانونی و علمی برخوردارند و این می‌تواند زمینه بستر فرهنگی و عاطفی آموزش شهروند حرفه‌ای را در دانشگاه فراهم آورد.

با یک طیف وسیع‌تر اگر بخواهیم نتایج داده‌های محاسبات و انحراف معیار را در کلیه مؤلفه‌ها در چهار گروه تفکیک و تجزیه و تحلیل نمائیم. می‌توان تفاسیر ذیل را داشته باشیم:

۱- رؤسای دانشکده‌ها بیشترین امتیاز را به مولفه‌های ذیل داده‌اند. اهداف، فلسفه، مبانی نظری، صلاحیت‌های تکنولوژیکی، صلاحیت‌های هوشی، صلاحیت‌های معنوی، اخلاقی و مذهبی، صلاحیت ای محیطی، پژوهشی، سطوح یاد دهی و یادگیری در تربیت شهروندی، کل چارچوب ادراکی مدل.

۲- متخصصان آموزش عالی بیشترین امتیاز را به مولفه‌های ذیل داده‌اند:

۳. اجرای آزمایشی به کمک دفتر مطالعات و آموزش منابع انسانی پس از تصویب شورای عالی برنامه‌ریزی دانشگاه آزاد اسلامی.

۴. تهیه بسته‌های آموزشی (محتوا، راهنما، منابع و ابزار) توسط دفتر مطالعات و آموزش منابع انسانی جهت تربیت اساتید و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها.

۵. اجرای نهایی برنامه‌ها در مقاطع مختلف با توجه به روش میان رشته‌ای بین دانشجویان و اعضای هیات علمی.

نظام ارزشیابی و مهندسی مجدد

۱. ارزیابی برنامه به صورت ترمی (ارزیابی درونی و بیرونی).
۲. مهندسی مجدد برنامه بر اساس تغییرات محیطی و تحولات ملی، بین‌المللی و جهانی و بازخورد حاصل از اجرای برنامه حداقل در هر پنج سال.

مدل پیشنهادی

شمای مدل پیشنهادی تربیت شهروند حرفه‌ای در نظام آموزش عالی کشور با رویکردی میان رشته‌ای و با استفاده از رشته‌های متعدد در شش بخش تعاملی فلسفه، اهداف، مبانی نظری، سطوح یاد دهی و یادگیری، قلمرو تربیت شهروندی، صلاحیت‌های کلیدی و برونداد مدل در انتها خواهد آمد. سؤال سوم: درجه تناسب مدل از نظر رؤسای دانشگاه‌ها، رؤسای دانشکده‌ها و مدیران گروه‌ها و اعضای هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی و متخصصان آموزش عالی، درجه کلی تناسب مدل از نظر ۴ گروه با مقیاس ۴/۷۹ از ۵ تعیین گردید.

بحث و تفسیر

- یافته‌های کمی این پژوهش نشان می‌دهد که در مجموع مدل پیشنهادی با مقیاس ۴/۷۹ از ۵ مورد تایید نهایی قرار گرفته است. داده‌های آماری نشان می‌دهد ۹۹ درصد از گروه‌های مورد مطالعه ($N=480$) چارچوبی ادراکی مدل یعنی:

۱- صلاحیت‌های کلیدی (همراه با ۱۲ صلاحیت تکنولوژیکی، اقتصادی، اجتماعی، هوشی، مدیریتی و رهبری، معنوی و اخلاقی و مذهبی، محیطی، جهانی و بین‌المللی، فردی، پژوهشی، فرهنگی، سیاسی)

۲- قلمرو تربیت شهروندی (فردی، خانوادگی، محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی)

۳- سطوح یاد دهی و یادگیری در تربیت شهروندی

۴- برونداد نظام آموزش شهروندی

مؤلفه اصلی استخراج گردید که مبنای تدوین مدل را فراهم ساخت.

۲. پژوهشگر پس از مطالعه و مذاقه، مدل پیشنهادی را مشتمل بر فلسفه، اهداف، مبانی نظری، چارچوب ادراکی، مراحل اجرا و نظام ارزشیابی و مهندسی مجدد تدوین نمود.
۳. عناصر اصلی مدل و مؤلفه‌های آن از طریق روش روایی محتوا و روش بازآزمایی (پایایی) محاسبه گردید. بر اساس روش بازآزمایی، پایایی پرسشنامه ۸۵/۴۶ درصد محاسبه گردید.
۴. ۹۹ درصد گروه‌های مورد مطالعه چارچوب ادراکی مدل را کاملاً مناسب دانسته و کاربست آنها را در آموزش شهروندی مورد تاکید خاص قرار داده‌اند.
۵. ارتباط بین ۲۲ مؤلفه با یکدیگر ارتباط معنادار و قوی است.
۶. نتایج آماری داده‌های توصیفی و استنباطی حاکی از تناسب مدل پیشنهادی از نظر هر چهار گروه روسای دانشگاه، روسای دانشکده و مدیران گروه‌ها، اعضای هیات علمی و متخصصان آموزش عالی با مقیاس ۴/۷۹ از ۵ می‌باشد و بار عاملی هر یک از مؤلفه‌ها مشخص گردید.
۷. کل نمونه آماری خواهان اجرای مدل در دانشگاه آزاد اسلامی و واحدهای تابعه آن به منظور ارتقای توانمندی سطح دانشجویان گردیده‌اند.

توصیه‌های کاربردی

- ۱- به منظور ایجاد زبان مشترک جهت آموزش شهروند حرفه‌ای بستر سازی فرهنگی از طریق ساز و کارهای رسمی دانشگاه و واحدهای تابعه صورت پذیرد.
- ۲- آموزش شهروندی به صورت برنامه‌ای تدوین و پس از تصویب شورای عالی برنامه‌ریزی دانشگاه آزاد اسلامی از طریق دفتر توسعه منابع انسانی و یا دفاتر ذیربط در سطوح مختلف واحدهای تابعه دانشگاه آزاد اسلامی اجرا گردد.
- ۳- توصیه می‌شود تا تدوین یک برنامه جامع، نتایج یافته‌های پژوهش حاضر (آموزش شهروند حرفه‌ای) به صورت یک درس یا به صورت یک بستر، جهت فعالیت‌های فوق برنامه یا به صورت نوارهای صوتی، تصویری و مجازی در دانشگاه آزاد اسلامی مورد استفاده قرار گیرد.
- ۴- مدل پیشنهادی، در چند واحد دانشگاهی اجرا و نتایج آن تحلیل گردد.

قلمرو تربیت شهروند حرفه‌ای، برون‌داد نظام آموزش شهروندی دانشگاه

۳- روسای دانشکده‌ها و مدیران گروه‌ها بیشترین امتیاز را به مؤلفه‌های ذیل داده‌اند:

اهداف، فلسفه، صلاحیت‌های اقتصادی، صلاحیت‌های اجتماعی، صلاحیت‌های مدیریتی و رهبری، صلاحیت‌های جهانی و بین‌المللی، صلاحیت‌های فردی، صلاحیت‌های فرهنگی، صلاحیت‌های سیاسی، کل چارچوب ادراکی، مراحل اجرای مدل، نظام ارزشیابی مهندسی مجدد، مدل پیشنهادی.

۴- اساتید و اعضای هیات علمی بیشترین امتیاز را به مؤلفه ذیل داده‌اند:

کل چارچوب ادراکی مدل

- نتایج آزمون چند گانه دانکن (Duncan) حاکی از اختلاف معنادار بین میانگین نظرات گروه‌های چهارگانه در بین مؤلفه‌های ذیل می‌باشد: فلسفه، اهداف، مبانی نظری، صلاحیت‌های محیطی، صلاحیت‌های جهانی و بین‌المللی، صلاحیت‌های فردی، صلاحیت‌های پژوهشی، صلاحیت‌های فرهنگی، صلاحیت‌های سیاسی، قلمرو تربیت شهروندی، برون‌داد نظام آموزشی، چارچوب ادراکی، اجرای مدل، نظام ارزشیابی و مهندسی مجدد.

همچنین نتایج حاصل از این آزمون نشان می‌دهد که نظرات چهار گروه مورد مطالعه در خصوص مؤلفه‌های ذیل یکسان است و در نتیجه یک مجموعه را تشکیل می‌دهند:

صلاحیت‌های تکنولوژیکی، صلاحیت‌های اقتصادی، صلاحیت‌های اجتماعی، صلاحیت‌های هوشی، صلاحیت‌های مدیریتی و رهبری، صلاحیت‌های معنوی، اخلاقی و مذهبی، سطوح یاد دهی و یادگیری، مدل پیشنهادی

- بنابراین از نتایج کمی آمار استنباطی در مؤلفه‌های افتراق و اشتراک می‌توان نهایت استفاده را در تشخیص زمینه و تسهیل آموزش شهروند حرفه‌ای از طریق جلسات توجیهی، مشاوره، کارگاه به عمل آورد و با تکنیک‌ها و تاکتیک‌های مدیریتی، نکات اشتراک را برجسته و نکات افتراق را به اشتراک تبدیل نمود. به علاوه نتایج کمی فوق حاکی از زمینه رضایت و تایید اجرای مدل پیشنهادی در نظام دانشگاهی دارد.

نتیجه گیری

۱. براساس مطالعه در ادبیات و پیشینه پژوهش، مبانی نظری و نظرات پژوهشگر، مجموعاً ۱۲ صلاحیت کلیدی و ۲۲

- ۵- پژوهش مشابهی در دانشگاه آزاد اسلامی در طیف وسیع با امکان سنجی قبلی در سطح کل واحدهای دانشگاهی صورت پذیرد.
- ۶- نظریه اجرای پژوهش حاضر در دانشگاه آزاد اسلامی در سایر دانشگاهها و موسسات آموزش عالی نیز اجرا گردد تا ضرایب افتراق و اشتراک مدل به دست آید.

منابع و مأخذ

1. Cheng, Y.C. (2000). "A CMI-Triplization Paradigm for Reforming Education in the New Millennium". *International Journal of Educational Management*, 14(4), 156-174
2. Chu, Alice (2003) Higher Education Producing Citizen-Scholars. Available at: <http://WWW.Utexas.edu>.
3. Citizenship 2000 Program (2000). George Mason University. Available at: <http://WWW.gmu.edu/citizenship2000/>
4. Codling, Andrew (2003). A shared Leadership Model for Professional Education. Available at: UNITEC.
5. Hopkins, Gary (2002) Curriculum/training Citizenship's
6. Kerr, D. (1999). "Citizenship Education in the Curriculum: an International Review." *School Field*, 10, nos. 3-4:5-31.
7. Mlhotra, Yogesh (2003). Measuring Knowledge assets of a Nation: Knowledge Systems for Development. United Nations Advisory Meeting of the Department of the Economic and Social Affairs, Division of public Administration and Development Management.
8. Marshall, TH (1950). *Citizenship and Social Class and Other Essays*. Cambridge: Cambridge University Press.
9. Morris, P. and Cogan, M. (2001). "A Comparative Overview: Civic across six Societies." *International Journal of Educational Research*, 35: 109-123
10. Quisumbing, Louders R.(2002) Citizenship Education for Better World Societies: A Holistic Approach. 8th UNESCO APEID International Conference on Education, 29 November 2002, Bangkok.
11. State of Illinois Board of Higher Education (1999). *A Citizen & Agenda for Illinois*. Available at: <http://WWW.Illinois>